

# عقیدهى اهل سنت و جماعت

تألیف :

محمد بن صالح العثیمین رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

ترجمه :

إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی

عقيدة أهل السنة والجماعة

---





### فهرست مطالب

ص	عنوان
۸	مقدمه مترجم
۱۰	تقدیم
۱۲	مقدمه مؤلف
۱۴	عقیده ما: ایمان به خدا... ایمان به ربوبیت والوهیت واسما وصفات و یگانگی خداوند در آن
۱۵	آیت الکرسی
۱۹	عالم و آگاه بودن و سخن گفتن باری تعالی
۲۲	خداوند بر عرش
۲۴	کفر و گمراهی کسی که بگوید: خدا با خلق در زمین است
۲۴	نزول خدا به آسمان دنیا و آمدن خدا در روز محشر برای قضاوت بین بندگان
۲۵	اراده جهانی و اراده شرعی
۲۷	مراد و خواست خدا چه جهانی و چه شرعی تابع و پیرو حکمت اوست
۲۹	محبت، خشنودی، کراهت، خشم، غضب خداوند
۳۰	صورت و رخسار و دو دست و دو چشم خداوند
۳۲	دیدن مؤمنین خدای خود را بدون آن که چشم، او را



ص	عنوان
	ادراک و احاطه کند
۳۳	خدا را از مثل و مانند میرا دانستن
۳۴	دور دانستن خدا از کسالت خواب و خواب رفتن و ظلم، غفلت، ناتوانی، خستگی و فرسودگی
۳۵	ثابت کردن ذات خداوند بدون شباهت و چگونگی
۳۶	سکوت در آن چه خدا و رسولش ﷺ از آن سخن نگفته‌اند
۳۶	پیروی از راه و روش رسول ﷺ و بیان آن
۳۸	استناد مؤلف در اثبات یا نفی، بر قرآن و سنت پیامبر ﷺ و امامان اهل سنت
	کلام صریح و آشکار قرآن و سنت را بر ظاهر و حقیقت آن
۳۸	حمل کردن و دوری از راه گمراهان و تأویل کنندگان و غلوکنندگان در کتاب خدا
۳۹	قرآن و سنت، حق و حقیقت است
۳۹	هیچ نقض و اختلافی در قرآن و سنت وجود ندارد
۴۰	مدعی نقض و اختلاف در قرآن و سنت، گمراه است
۴۰	فکر و ادراک ناقض قرآن و سنت، کم است
۴۲	فصل: ایمان به فرشتگان



## عقیده‌ی اهل سنت و جماعت

ص	عنوان
۴۳	هر یک از فرشتگان بر اعمالی گماشته شده‌اند
۴۵	بیت المعمور
۴۷	فصل: ایمان به کتاب‌های خدا
۴۷	ایمان به اینکه بر هر پیامبری کتابی نازل شده است
۴۷	کتاب‌های ظاهر و آشکار
۴۹	قرآن، شاهد و گواهی صادق بر کتابهای آسمانی پیشین و محفوظ به حفظ خداست
۵۴	فصل: ایمان به پیامبران و حکمت فرستادن آنها
۵۴	اولین و آخرین پیامبران
۵۵	برترین پیامبران
۵۵	فضیلت دین محمد ﷺ بر ادیان دیگر
۵۶	پیامبران، بشر و مخلوق خدا هستند و صفت عبودیت و پرستش ندارند
۵۹	شریعت محمد ﷺ آیین اسلام است که خدا به آن راضی است
۶۰	هرکس ادعا کند که خداوند، دینی غیر از اسلام می‌پذیرد، کافر است
۶۱	کافر به رسالت محمد ﷺ، به تمامی پیامبران کافر است

ص	عنوان
٦٢	هیچ پیامبر و رسولی پس از محمد ﷺ نیست و کسی که ادعای نبوت کند یا ادعاکننده را باور کند، کافر است
٦٢	خلفای راشدین: بهترین و شایسته‌ترین آنها به خلافت
٦٢	فضیلت بعضی از خلفا بر بعضی دیگر
٦٣	امت محمدی بهترین امت هاست
٦٤	گروه همیشه بر حق
٦٤	آن چه بین صحابه از جنگ و اختلاف رخ داد، از روی اجتهاد بود
٦٥	نباید از بدی صحابه سخن گفت
٦٧	فصل: ایمان به روز آخرت
٦٩	ایمان به حشر و نامه و ترازوی اعمال
٧٠	شفاعت خاص و عام
٧١	حوض رسول الله ﷺ و پل صراط
٧٢	ایمان به بهشت و دوزخ
٧٥	بهشتیان و دوزخیان
٧٦	ایمان به سختی، عذاب و خوشی قبر
٧٧	امور غیبی با امور دنیوی تناقضی ندارد
٧٨	ایمان به قضا و قدر

ص	عنوان
۷۸	مراتب ایمان به قضا و قدر
۸۰	اختیار و مشیت و قدرت عمل بنده
۸۱	پنج دلیل بر اختیار انسان
۸۳	گناهکار هیچ حجت و دلیلی ندارد
۸۶	شر نزد خدا شر نیست، چون قضای او مطلق است
۸۷	شر در آن چه قضا کرده، وجود دارد
۸۹	فصل: فایده‌های این عقیده والا
۸۹	فواید ایمان به خدا
۸۹	فواید ایمان به فرشتگان
۹۰	فواید ایمان به کتاب‌های خدا
۹۱	فواید ایمان به پیامبران
۹۱	فواید ایمان به روز آخرت
۹۲	فواید ایمان به قضا و قدر





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَقَدِّمَةٌ

و به نستعين و صلى الله على محمد وآله و صحبه اجمعين .

سپاس خدایی را که در هر دوره و زمانی پس از پیامبران، عده‌ای از اهل علم را برمی‌گزیند تا کسانی را که گمراه شده‌اند به سوی هدایت خداوندی دعوت کنند. آن‌ها بر اذیت و آزار مردم صبر و شکیبایی می‌کنند، با کتاب خدا - قرآن - مردگان را زنده می‌کنند، و با نور الهی، نابینایان را روشنایی و بصیرت می‌بخشند. چه انسان‌هایی که به دست شیطان کشته شده‌اند و اینان زنده‌شان کرده‌اند و چه بسیار گمراهان و گم‌شدگانی که راه هدایت را از آنان آموخته‌اند. چه آثار خوبی از آن‌ها که بر روح و جان مردم اثر گذاشته و چه تأثیر بد مردم بر آن‌ها .

آنان تحریف و تبدیل افراط و غلوکنندگان، و تأویل جاهلان و نادانان را از کتاب خدا برطرف می‌کنند. وای بر آنان که پرچم‌های بدعت را برافراشته‌اند و ریسمان فتنه را بر دوش گرفته‌اند، آن‌ها که در کتاب خدا اختلاف می‌اندازند و با آن



مخالف هستند و بر جدایی از قرآن اجماع می‌کنند. بر خدا، در خدا، و در کتاب خدا، به دور از آگاهی و معرفت سخن می‌گویند، با زبان قرآن و مانند قرآن سخن می‌گویند، و نادانان را با مثل و ماندها می‌فریبند. پس، از فتنه‌ی گمراهان به خدا پناه می‌بریم.

کتاب حاضر که به طور خلاصه عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را بیان می‌کند به فارسی زبانان جهان تقدیم می‌شود. امید است که خوانندگان محترم، کاستی‌ها و کمبودها را نادیده انگارند و عقیده‌ی اهل سنت و جماعت را از ضمیر پاک خود بیاموزند.

وصلی الله وسلم علی محمد وآله وصحبه ومن تبعهم  
بإحسان إلی یوم الدین.

إسحق بن عبدالله بن محمد دیری

ریاض - شعبان ۱۴۱۹ هـ . ق

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### تقدیر

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده  
وعلى آله وصحبه، أما بعد:

نوشته علامه بزرگ شیخ محمد بن صالح العثیمین را  
دیدم و مطالبش را که در عین اختصار بسیار مهم بود خواندم،  
و مشتمل بود بر بیان عقیده اهل سنت و جماعت در باب  
توحید خدا و توحید اسما و صفات او، و نیز ایمان به  
فرشتگان و کتابها و پیامبران و روز آخرت و قضا و قدر.  
پی بردم که در گردآوری مطالب مذکور، موفق عمل کرده  
است؛ چنان که مسایل مورد نیاز در باره خدا، فرشتگان،  
پیامبران، کتابها، روز آخرت، و قضا و قدر را به خوبی بیان  
کرده، همچنین مطالب مفید مربوط به این عقاید را بر آن  
افزوده در حالی که ممکن است در کتب عقیده دیگر نباشد  
خدا او را پاداش نیک دهد، و علم و هدایت به او عطا  
کند، و فواید این کتاب و سایر کتابهای او را به همگان



برساند، و ما را از هدایت‌شدگان و دعوت‌کنندگان به سوی  
حق به وسیله علم و دانش و بصیرت بگرداند.  
إنَّه سَمِيعٌ قَرِيبٌ.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه  
قاله مملیه الفقیر الی الله تعالی:  
عبدالعزیز بن عبدالله بن باز سامحه الله،  
الرئیس العام لإدارات البحوث العلمیه والإفتاء  
والدعوه والإرشاد

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلا على الظالمين، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، الملك الحق المبين، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله خاتم النبيين وإمام المتقين، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين أما بعد:

خداوند متعال پیامبر خود محمد ﷺ را برای هدایت به دین حق فرستاد. او رحمتی است برای جهانیان و پیشوا، و حجتی برای همه بندگان. از طریق او و فرستادن قرآن و سنت، عقاید صحیح، کردار نیک، اخلاق شایسته، آداب برجسته و عالی را بیان کرده است که صلاح و درستی احوال بندگان در دین و دنیا در آن نهفته است.

پس پیامبر ﷺ امت خود را بر راه مستقیمی رها کرد که شب آن همانند روز روشن، آشکار و واضح است، و بجز گمراهان کسی از آن راه منحرف نمی شود.

صحابه و تابعین و کسانی از امت پیامبر همین راه را به نیکی پیروی نمودند، آنها کسانی هستند که ندای خدا و

رسول الله ﷺ را پاسخ گفتند و بهترین انسان‌ها هستند، کسانی هستند که بر شریعت وی در ساحت عقیده، عبادت، اخلاق، آداب پایدار ماندند و به سنت او چنگ زدند و تمسک ورزیدند، پس آنها رستگاران هستند که همیشه بر حق‌اند و مخالفت هیچ کس به آنها ضرر و زیان نمی‌رساند تا برپا شدن روز قیامت آن برحق پایدار خواهند بود.

ما نیز - الحمد لله - راه و روش آنها را که با قرآن و سنت تایید شده است دنبال می‌کنیم و خدا را بر نعمت‌هایش شکر و سپاس می‌گوییم، و از خداوند خواستاریم تا ما و مسلمانان را با قول ثابت در دنیا و آخرت ثابت قدم نگه دارد، رحمت خود را بر ما فرو فرستد؛ چرا که او بسیار بخشنده است.

به جهت اهمیت این موضوع - با وجود اختلاف نظر مردم درباره این موضوع - دوست داشتم به طور مختصر عقیده‌ی ما - عقیده‌ی اهل سنت و جماعت - ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب‌ها، پیامبران، روز آخرت و قضا و قدر را به نگارش در آورم. از خداوند متعال خواهانم آن را خالصانه مورد رضا و خشنودی خود و سودمند برای بندگان خود قرار دهد.

## عقیده ما (ارکان عقیده)

۱ - عقیده ما: ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب ها، پیامبران خدا، روز آخرت، قضا و قدر و خیر و شر است.

### (تفصیل ایمان به خدا)

۲ - ایمان می آوریم به خدای تعالی؛ یعنی، او تربیت کننده، خالق، مالک و تدبیرکننده تمام کارهاست.

۳ - ایمان می آوریم به الوهیت خداوند بزرگوار؛ یعنی اوست پروردگار بر حق و هر خدایی غیر از او باطل است.

۴ - ایمان می آوریم به نامها و صفتهای باری تعالی؛ یعنی، نامهای نیک، و صفتهای عالی و کامل، مخصوص اوست.

۵ - ایمان می آوریم به یکتایی او، یعنی این که: خدا یکتاست و در پروردگاری، نامها و صفتها هیچ شریکی ندارد.

باری تعالی می فرماید: ﴿رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ

وَأَصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾. (مریم: ۶۵).

«همان پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار

دارد! او را پرستش کن؛ و در راه عبادتش شکبیا باش! آیا مثل و مانندی برای او می‌یابی؟!».

۶ - ایمان می‌آوریم به این که: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ (البقرة: ۲۵۵).

«هیچ معبودی بحق نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرانمی‌گیرد؛ (و لحظه‌ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت شفاعت‌کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی‌کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها (بندگان) و پشت سرشان است می‌داند؛ (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است.)

و کسی از علم او آگاه نمی‌گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و نامحدود اوست.)  
 عرش او، آسمانها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو (آسمان و زمین)، او را خسته نمی‌کند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست».

۷ - ایمان می‌آوریم به این که: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾﴾ (الحشر ۲۲-۲۴).

«او خدائی است که معبودی بحق جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و او رحمان و رحیم است. او خدائی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی‌کند، امنیت‌بخش



است، و مراقب (همه چیز) است، او قدرتمندی شکست‌ناپذیر است که با اراده‌ی نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند، و شایسته‌ی عظمت است، خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده‌ی بی‌سابقه، و صورتگری بی‌نظیر، برای او نامهای نیک است، و آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می‌گویند، و او عزیز و حکیم است».

۸ - ایمان می‌آوریم به این که: برای اوست ملک آسمانها

و زمین ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَورَ ۝٤٩﴾  
 أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾  
 (الشوری ۴۹-۵۰).

«هر چه را بخواهد می‌آفریند؛ به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر. یا (اگر بخواهد) پسر و دختر - هر دو - را برای آنان جمع می‌کند و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد؛ زیرا که او دانا و قادر است».

۹ - ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ

الْبَصِيرُ ﴿۱۱﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ  
يَكُلُّ شَيْءٌ عِلْمٌ ﴿۱۲﴾. (الشورى ۱۱-۱۲).

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست! کلیدهای  
آسمانها و زمین از آن اوست؛ روزی را برای هر کس بخواهد  
گسترش می دهد یا محدود می سازد؛ او به همه چیز داناست.»

۱۰ - ایمان می آوریم به این که: ﴿وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى  
اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿۶﴾. (هود ۶).

«هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر  
خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند؛ همه  
اینها در کتاب آشکاری ثبت است! (در لوح محفوظ، در  
کتاب علم خدا)».

۱۱ - ایمان می آوریم به این که: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا  
يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا  
وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿۵۹﴾. (الأنعام  
۵۹).

«کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی آنها را

نمی‌داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار (در کتاب علم خدا) ثبت است».

۱۲ - ایمان می‌آوریم به این که: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (لقمان ۳۴).  
 «آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می‌کند، و آنچه را که در رحم‌ها(ی مادران) است می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ خداوند عالم و آگاه است!».

۱۳ - ایمان می‌آوریم به اینکه: باری تعالی سخن می‌گوید با هر چیز، و هر زمان، و هرگونه که بخواهد: ﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا﴾ (النساء ۱۶۴).  
 «و خداوند با موسی (حقیقتاً و بدون واسطه) سخن گفت.»

(این آیه صفت کلام برای خدا چنانکه به جلال خدا لایق است می‌رساند (مترجم)).

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ﴾ (الأعراف ۱۴۳).

«و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت».

﴿وَنَدَيْتُهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾ (مریم ۵۲).

«ما او را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم؛ و او را (به خود) نزدیک ساختیم؛ و با او سخن گفتیم».

۱۴ - ایمان می‌آوریم به اینکه: ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَكَلَّمْتُ رَبِّي

لِنَفِدِ الْبَحْرِ قَبْلَ أَنْ نُنْفِدَ كَلِمَاتُ رَبِّي﴾ (الكهف ۱۰۹).

«بگو: اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می‌گیرد. پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد».

﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ

أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (لقمان ۲۷).

«و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن

مرکب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام می‌شود ولی کلمات خدا پایان نمی‌گیرد؛ خداوند عزیز و حکیم است».

۱۵ - ایمان می‌آوریم به این که: کلمات و سخنان خدا کامل‌ترین کلمات و سخنان است، صادق در اخبار، عادل در احکام، و نیکو در گفتار؛ چنان که باری تعالی می‌فرماید:

﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا﴾. (الأنعام ۱۱۵).

«و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حد تمام رسید».

و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ (النساء ۸۷).

«و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟».

۱۶ - ایمان می‌آوریم که قرآن کریم، کلام خدای تعالی است، در آن از روی حقیقت، سخن گفته است و آن را به سوی جبریل عَلَيْهِ السَّلَامُ فرو فرستاده، سپس جبریل آن را بر قلب رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل کرده است؛ چنان که می‌فرماید:

﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ﴾. (النحل ۱۰۲).

«بگو، روح القدس (جبریل)؛ آن را از جانب پروردگارت

بحق نازل کرده».

و می فرماید: ﴿وَلِنُنزِلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۹۳﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۹۲﴾  
 عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۹۴﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿۱۹۵﴾. (الشعراء ۱۹۲-۱۹۵).  
 «مُسلماً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده  
 است! روح الامین (جبریل علیه السلام) آن را نازل کرده است بر قلب  
 (پاک) تو، تا از اندازکنندگان باشی! آن را به زبان عربی آشکار  
 (نازل کرد)!!».

۱۷ - ایمان می آوریم به این که: خدای بزرگوار، به ذات و  
 صفت خود، بر خلقش برتری دارد؛ چنان که می فرماید: ﴿وَهُوَ  
 الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۲۵۵﴾. (البقرة ۲۵۵).  
 «او (خداوند) بالا و بلندمرتبه و با عظمت است».

و می فرماید: ﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْغَنِيُّ ﴿۱۸﴾﴾.  
 (الأنعام ۱۸).  
 «اوست که بر بندگان خود، فوق و غالب است؛ و اوست  
 حکیم آگاه!».

۱۸ - ایمان می آوریم به اینکه او: ﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ

أَيَّامٍ يُنْمِ الْأَشْيَاءَ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ ﴿٣﴾ (یونس ۳).

«پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت».

قرار گرفتن خدا بر عرش، علو و برتری بر آن با ذات مقدس خود، خاص و شایسته جلال و عظمت خداوندی است و هیچ کس بجز خدا چگونگی آن را نمی‌داند.

۱۹ - ایمان می‌آوریم به این که: خدای تعالی با خلق خود است، و بر عرش قرار دارد، احوال آنها را می‌داند، گفتارش را می‌شنود، کارهای آنها را می‌بیند و امور و شؤون آنها را تدبیر می‌کند؛ فقیر را رزق و روزی می‌دهد، هر کس را بخواهد عزت مُلک و سلطنت می‌بخشد، و از هر که بخواهد می‌گیرد، به هر که بخواهد عزت و اقتدار می‌بخشد، و هر که را خواهد خوار و ذلیل می‌گرداند، هر خیر و نیکی، به دست اوست، و تنها او بر هر چیز تواناست.

و آن ذاتی که دارای چنین مرتبه و مقام است، او حقیقتاً با

آفریدگانش همراه است، با آنکه در حقیقت بالای آنها بر عرش خود قرار دارد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (الشوری ۱۱). «هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست».

و ما عقیده گروه حلولیه مانند جهمییه را نمی‌پذیریم که می‌گویند: خدا در همه چیز حل شده است؛ که می‌گویند: «خدا با خلقش در زمین است» بر این باوریم که هرکس این چنین بیندیشد، کافر و گمراه است؛ زیرا خداوند را به نقائص و عیب‌هایی توصیف کرده است که شایسته او نیست.

۲۰ - ایمان می‌آوریم به آن چه رسول الله ﷺ خبر داده است که: خداوند متعال، هر شب به آسمان دنیا فرود می‌آید آن‌گاه که یک سوم شب، باقی مانده باشد و می‌فرماید: «من یدعونی فأستجیب له، من یسألنی فأعطیه، من یتغفرنی فأغفر له». [متفق علیه].

چه کسی مرا دعا می‌کند تا او را اجابت کنم، و چه کسی از من پرسشی دارد تا به او عطا نمایم، چه کسی از من



آمزش می‌خواهد تا گناهان او را ببخشایم.

۲۱ - ایمان می‌آوریم که: خداوند باری تعالی روز قیامت برای فصل<sup>(۱)</sup> و حکم کردن بین بندگان می‌آید؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿۲۱﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿۲۲﴾ وَجِئَاءَ يَوْمٍ يُبْعَثُ فِيهِ يَوْمٍ يُبْعَثُ بِجَهَنَّمَ يَوْمٍ يَنْذَرُ الْإِنْسَانَ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿۲۳﴾﴾ (الفجر - ۲۱ - ۲۳).

«و چنان نیست که آنها (دنیاطلبان)، می‌پندارند، در آن هنگام که زمین سخت در هم کوبیده شود. و خداوند برای فصل قضاوت بین خلائق بیاید، و فرشتگان صف در صف حاضر شوند. و در آن روز جهنم را حاضر می‌کنند (آری) در آن روز انسان متذکر می‌شود، اما این تذکر چه سودی برای او دارد».

۲۲ - ایمان می‌آوریم به این که: خداوند: ﴿فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿۱۶﴾﴾ (البروج ۱۶). «و آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد».

۲۳ - ایمان می‌آوریم که: باری تعالی دو نوع اراده دارد: الف - اراده کونی (متعلق به کائنات): این که مراد و

(۱) جدا کردن حق از باطل.

خواست او باید واقع گردد<sup>(۱)</sup> و لازم نیست که آن مراد (آن چیزی که طبق اراده کونی واقع می‌گردد) برای او محبوب و دوست داشتنی باشد؛ و این نوع اراده را مشیت نیز گوید، چنان که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ (البقرة ۲۵۳).

«اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد (و هیچ‌کس را به قبول چیزی مجبور نمی‌کند)».

و می‌فرماید: ﴿إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ﴾ (هود ۳۴).  
«هرگاه خدا بخواهد شما را (بخاطر گناهانتان) گمراه سازد، و من بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز من سودی به حالتان نخواهد داشت! او پروردگار شماست».

ب - اراده شرعی (متعلق به اوامر و نواهی): و حتمی نیست که مراد وی طبق این اراده واقع گردد، ولی مراد

(۱) یعنی تقدیر و سرنوشتی که خداوند بر بندگان خود تعیین کرده است و ناگزیر باید این سرنوشت و تقدیر واقع گردد. مانند حوادث و رویدادهایی که در جهان هستی رخ می‌دهد. مترجم.

خداوند در این جا محبوب است<sup>(۱)</sup>؛ چنان که می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ﴾. (النساء ۲۷).

«و خدا می‌خواهد شما را ببخشد».

۲۴ - ایمان می‌آوریم به اینکه: مراد و خواست خدا چه

کونی و چه شرعی بر اساس حکمت اوست.

پس، خداوند وقوع هر چیزی را که اراده کرده و یا شرعاً

بندگان را به آن مکلف نموده باشد، همه آن‌ها، طبق اوست،

چه ما به حکمت آن پی ببریم، و یا عقل و فهم ما از درک آن

قاصر باشد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾.

(التین ۸).

«آیا خداوند بهترین حکم‌کنندگان و داوران نیست؟!».

و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾. (المائدة ۵۰).

[و چه کسی بهتر از خدا، برای کسانی که یقین دارند حکم

فرماست؟].

(۱) محبوب است یعنی خدا آن را دوست دارد، با این حال لازم نیست که واقع گردد مثل شخص

کافر؛ خدا دوست دارد که او مسلمان باشد ولی مسلمان نیست مترجم.

۲۵ - ایمان می آوریم که: خداوند، دوستان خود را دوست دارد و دوستان خدا او را دوست دارند؛ چنان که می فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (آل عمران ۳۱).  
 «بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد».

و می فرماید: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (المائدة ۵۴).  
 «خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند».

و می فرماید: ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران ۱۴۶).  
 «و خداوند، صابران را دوست می دارد».

و می فرماید: ﴿وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (الحجرات ۹).  
 «و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد».

و می فرماید: ﴿وَإَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (البقرة ۱۹۵).  
 «نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد».

۲۶ - ایمان می آوریم به این که خدای تعالی آن چه از

کردار و گفتار، حکم فرموده، به آن راضی و خشنود است و آن چه از آن نهی کرده، آنرا بد می‌بیند؛ چنانکه می‌فرماید:

﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّي وَعَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ﴾ (الزمر ۷).

«اگر کفران کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است و هرگز کفران را برای بندگانش نمی‌پسندد؛ و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می‌پسندد!».

و می‌فرماید: ﴿وَلَكِنَّ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ﴾ (التوبة ۴۶).

«ولی خدا از حرکت آنها کراهت داشت؛ از این رو (توفیقش را از آنان سلب کرد؛ و) آنها را (از جهاد) باز داشت؛ و به آنان گفته شد: «با «قاعدین» (کودکان و پیران و بیماران) بنشینید!».

۲۷ - ایمان می‌آوریم به این که خدا از کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح و نیک انجام دادند، راضی و خشنود است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَسِيَ

رَبُّهُ ﴿٨﴾ (البينة ۸).

«هم خدا از آنها خشنود است، و (هم) آنها از خدا خشنودند. و این (مقام والا و پاداشهای مهم و بی نظیر) برای کسی است که از پروردگارش بترسد».

۲۸ - ایمان می آوریم به این که خدای تعالی بر کسانی که سزاوار عقاب [و عذاب] هستند، مانند کافران و غیر آنها، خشم و غضب می گیرد؛ چنانکه می فرماید: ﴿الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَنْتَ السُّوءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ (الفتح ۶).

«و آنانی که به خدا بد گمان بودند و حوادث ناگواری (برای مؤمنان انتظار می کشند) تنها بر خودشان نازل می شود! خداوند بر آنان غضب کرده».

و می فرماید: ﴿وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (النحل ۱۰۶).

«آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده اند، غضب خدا بر آنهاست؛ و عذاب عظیمی در انتظارشان».

۲۹ - ایمان می آوریم به این که خدا دارای چهره ای

آراسته به عظمت و بزرگی و انعام و احسان است:

﴿وَبَعَثَ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (۲۷). (الرحمن ۲۷).

«و تنها وجه خداوند ذوالجلال و گرامی باقی می ماند! (در این آیه صفت وجه: (روی و چهره پروردگار) بدون تشبیه و چگونگی برای خداوند عز و جل ثابت می کند که به جلال و عظمت او سبحانه لایق است). مترجم».

۳۰ - ایمان می آوریم به این که خداوند دارای دو دست

گرامی و عظیم و بزرگ است چنان که می فرماید: ﴿بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾ (المائدة ۶۴).

«بلکه هر دو دست او، گشاده است؛ هرگونه بخواهد،

می بخشد».

می فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ۗ سُبْحٰنَهُ ۗ وَنَعَلٰنِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

﴿۶۷﴾ (الزمر ۶۷).

«آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی

که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانها

پیچیده در دست او؛ خداوند منزّه و بلندمقام است از شریکیهایی که برای او می‌پندارند».

۳۱ - ایمان می‌آوریم به این که برای خدای تعالی دو چشم حقیقی است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا﴾ (هود ۳۷).

«و کشتی را با وحی ما و زیر نظر ما بساز».

و چنانکه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «حجاب‌ه النور لو کشفه

لأحرق سبحات وجهه ما انتهى إليه بصره من خلقه». [الدارمی].

«حجاب خدا نور است، اگر آن را ظاهر و آشکار کند

جلال و عظمت و روشنایی چهره‌اش، (تمامی) آن آفریدگانش را که چشمش به آن رسد می‌سوزاند».

اهل سنت و جماعت، همگی بر این قولند که چشمان

خدای متعال دوتا است؛ چنان که رسول الله ﷺ در باره

دجال<sup>(۱)</sup> می‌فرماید: «إِنَّهُ أَعُورٌ، وَإِنَّ رَبِّكُمْ لَيْسَ بِأَعُورٍ». [متفق علیه].

(۱) مردی کذاب و بسیار دروغگو که در آخر الزمان ظهور کند و مردم را بفریبد. فرهنگ

فارسی معین - ویراستار.



«دجال یک چشم دارد و چشم دیگرش کور است و خدای تعالی چنین نیست، بلکه دو چشم دارد».

۳۲ - ایمان می‌آوریم به این که: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (الأنعام ۱۰۳).

«چشم‌ها، او را (در دنیا) نمی‌بینند (لیکن در آخرت مؤمنان او را خواهند دید)؛ و او همه چشمها را می‌بیند؛ و او بخشنده (انواع نعمتها، و با خبر از دقائق موجودات)، و آگاه (از همه) چیز است».

۳۳ - ایمان می‌آوریم به این که مؤمنان، در روز قیامت خدا

را خواهند دید؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَجُوهٌ يُؤْمِنُونَ أَنْصُرَةٌ ﴿٢٣﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ﴿٢٣﴾﴾ (القیامة ۲۲-۲۳).

«در آن روز صورتهای (اهل سعادت) شاداب و مسرور است. و (و با شادابی) به پروردگارش می‌نگرد».

۳۴ - ایمان می‌آوریم به این که خداوند، مثل و مانندی

ندارد، زیرا که صفت‌های او کامل است: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ﴿١١﴾ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١١﴾﴾ (النسوری ۱۱).

«هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست».

۳۵ - ایمان می آوریم به این که: ﴿لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾.

(البقرة: ۲۵۵).

«هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرامی گیرد».

برای این که زندگی و قیومیت (تدبیر عالم) خدا در

بلندترین درجه کمال است.

۳۶ - ایمان می آوریم به این که به هیچ کس ظلم نمی کند؛

زیرا عادل است، و این که از اعمال و کردار بندگانش غافل

نیست؛ زیرا او کاملاً آگاه و مراقب بر آفریدگانش است.

۳۷ - ایمان می آوریم به این که خداوند، از آن چه در

آسمانها و زمین است، عاجز و ناتوان نیست؛ زیرا او در علم

و قدرت خود کامل است: ﴿إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ

فَيَكُونُ﴾ (یس: ۸۲).

«فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به

آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود می شود».

و این که هیچ خستگی و فرسودگی بر او وارد نمی شود

چرا که نیرو و قوت او کامل است؛ چنان که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ﴾ (ق ۳۸).

«ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز (شش دوران و مرحله) آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید! (با این حال چگونه زنده کردن مردگان برای ما مشکل است؟!». (آیه کریمه اثبات‌کننده معاد است زیرا کسی که بر آفرینش آسمانها و زمین قادر بوده و از آفرینش آنها خسته و مانده نشود، به طریق اولی بر زنده کردن مردگان نیز توانا است».

۳۸ - ایمان می‌آوریم به درست بودن آن چه خداوند برای خود ثابت کرد، رسول الله ﷺ برای او اثبات تصدیق کرده است، از نام‌ها و صفتهای باری تعالی لیکن از دو امر نادرست به شدت دوری کرده، آن را انکار می‌کنیم:

اول - همانندی: یعنی (شباهت دادن و مانند کردن). این که کسی با قلب یا زبان خود بگوید که صفتهای خداوند همانند

صفت‌های مخلوقات است.

دوم - کیفیت: یعنی چگونگی. این که با قلب یا زبان خود بگوید صفت‌های خداوند چنین و چنان است.

۳۹ - ایمان می‌آوریم به آن چه خدا از خودش، یا رسول ﷺ، از خدا نفی و انکار کرده و از او دور دانسته‌اند و این که آن نفی و دوری، شامل اثبات کمال ضد آن (صفت‌های نفی شده برای خداوند است)، و آن چه خدا و رسولش ﷺ در آن سکوت کرده‌اند، ما نیز در باره آن خاموش و ساکت می‌مانیم.

۴۰ - بر این باور و عقیده‌ایم که پیروی از این راه و روش، بر ما فرض و واجب است و باید آن را بپذیریم؛ زیرا آن چه خدا ثابت کرده، یا آن را از خود نفی کرده، خبری است که از سوی خود بر ما وحی نموده است، و خدای تعالی در باره خود، از هر کس دیگر داناتر و آگاه‌تر است. کیست که در گفتارش از خدا راست‌گوتر است؟ و کیست که نیکوتر از خداوند سخن گوید؛ و بندگانش به علم او نتوانند رسید.

آن چه رسول الله ﷺ برای خدا ثابت کرده و یا از او نفی

نموده است خبری است که در باره خدا گفته است و خبر داده است؛ و او از هر بنده، به خدای یکتا عالم‌تر، داناتر و آگاه‌تر است، و او خیر خواه‌ترین مردم و راستگوترین و شیوا سخن‌ترین انسان هاست.

در کلام خدا و رسولش ﷺ دانش کامل و صدق و راستی و بیان است، و هیچ عذری در رد کردن یا شک کردن در آن نیست.



## فصل

### (قاعده شناخت صفات خداوند متعال)

۴۱ - در حقیقت، دلیل و استناد ما در همه آن چه از صفات باری تعالی، چه به صورت مشروح، چه مختصر، و چه به طور اثبات یا نفی بیان کردیم، بر اساس قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ و گذشتگان و پیشینیان صالح و نیکوکار، و امامان اهل سنت و جماعت بوده است.

۴۲ - بر این عقیده‌ایم که باید کلام صریح و آشکار قرآن و سنت را بر ظاهر و حقیقت آن حمل کرد، چنان که باری تعالی شایسته و سزاوار آن معنی باشد. و از راه گمراهانی که صفات باری تعالی را تأویل کرده و به آن چه خدا و رسولش ﷺ می‌خواستند عمل نکردند، براءت و دوری می‌جوئیم.

و همچنین خود را از راه مُعْطَلَه<sup>(۱)</sup> کسانی که صفات باری تعالی را تعطیل کرده و آن معنا و مفهومی که در آن

(۱) پیروان مذهب تعطیل؛ در اصطلاح اهل سنت فرقه‌های مذهبی که منکر صفات باری تعالی بوده، و از خداوند نفی اسما و صفات می‌کرده‌اند. فرهنگ فارسی عمید - ویراستار.

صفات است آن را برای باری تعالی اثبات نمی‌کند، برائت می‌جوئیم.

و همچنین از راه کسانی که در آن صفات، غُلُو و زیاده روی کرده، و آن را به صفات مخلوقات تشبیه می‌کنند و یا برای آن چگونگی و کیفیتی ثابت می‌کنند، برائت و دوری می‌جوئیم.

۴۳ - ما یقین داریم که آن چه در قرآن و سنت آمده حق و حقیقت است، و در آن هیچ اختلاف و نقصی وجود ندارد؛ چنان که باری تعالی می‌فرماید: ﴿ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴾ (النساء ۸۲).

«آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند».

زیرا تناقض و اختلاف در اخبار، موجب آن می‌شود که برخی از آن برخی دیگر را رد نمایند و این امر (که برخی از آیات و احادیث برخی دیگر آنرا تکذیب و رد نمایند) در اقوال خدا و رسولش مستحیل و ناممکن است.

٤٤ - هرکس ادعا کند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ تناقض و اختلاف وجود دارد، دلالت بر قصد و نیت بد او، و گمراهی قلب او می‌کند، و باید توبه کرده، به سوی خدای متعال باز گردد و از گمراهی و جهالت، دوری جوید.

هرکس به فکرش چنین آید که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ اختلاف و تناقض وجود دارد، از چند حال خارج نیست: یا از کمی دانش و معرفت اوست، و یا از عدم فهم و ادراک اوست، و یا از کم فکری و نیندیشیدن در قرآن و سنت پیامبر ﷺ و معانی آن می‌باشد؛ پس باید چنین فردی در آموختن علم و معرفت صحیح بکوشد، و با اندیشه و تدبر در آیات قرآن و معانی آن تلاش نماید تا حقیقت و یقین برای او روشن شود، و اگر نتوانست حقیقت را بداند، چنین مسایلی را به عالم آن که خداوند است واگذاشته و از تصور بی‌جا و تأمل جاهلانه در باره آن دوری جوید (و به آن ایمان آورده) و چنان گوید که صاحبان علم راستین می‌گویند که: ﴿كُلُّ مَنْ عِنْدِ

رَبِّنَا﴾. (آل عمران ۷).



«ما به همهٔ آن ایمان آوردیم (چرا که) همه از سوی پروردگار ما است».

بداند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ هیچ تناقض و اختلافی وجود ندارد.



## فصل (ایمان به فرشتگان)

۴۵ - ایمان می‌آوریم به فرشتگان خدا و این که: ﴿عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۳۶﴾ لَا يَسْقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿۳۷﴾﴾.  
(الأنبياء ۲۶-۲۷).

«آنها (فرشتگان) بندگان شایسته اویند. هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند؛ و (پیوسته) به فرمان او عمل می‌کنند». خداوند، آنها را آفریده و آنان نیز به عبادت خدا برخاسته و به طاعت او عمل کرده‌اند؛ چنان که می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿۱۹﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿۲۰﴾﴾.  
(الأنبياء ۱۹-۲۰).

«(فرشتگان) هیچ‌گاه از عبادتش استکبار نمی‌ورزند، و هرگز خسته نمی‌شوند. (تمام) شب و روز را تسبیح می‌گویند؛ و سست نمی‌گردند».

خداوند، فرشتگان را از ما پنهان کرده، ما آنان را نمی‌بینیم و ممکن است خداوند، آنها را برای برخی از بندگان ظاهر و آشکار نماید؛ چنانکه رسول الله ﷺ جبریل علیه السلام را بر صورت

حقیقی‌اش دید که ششصد بال داشت و تمامی کرانه‌ی آسمان را پوشانده بود و همچنین جبریل عَلَيْهِ السَّلَام به چهره انسانی درآمد و با مریم، مادر عیسی عَلَيْهِ السَّلَام گفتگو کرد، و نیز به صورت مردی نزد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمد، و صحابه با رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نشسته بودند و کسی او را نشناخت، در حالیکه هیچ اثری از سفر بر او نبود، و لباس سفیدی بر تن داشت، و مویش سیاه بود، نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نشست، زانو بر زانوی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نهاد و دو دست بر ران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گذاشته، با آن حضرت به گفتگو نشست. رسول اکرم پس از رفتن آن مرد، صحابه را خبر دادند که او جبریل؛ بود.

۴۶ - ایمان می‌آوریم که فرشتگان به اعمالی گماشته شده‌اند: همانند جبریل عَلَيْهِ السَّلَام که به نزول وحی بر پیامبران گماشته شده است. و میکائیل مأمور به نزول باران، و اسرافیل مأمور دمیدن در شیپور به هنگام برانگیخته شدن مردم در روز قیامت است. و ملک الموت موکَّل به قبض روح، هنگام مردن است. و فرشتگان کوه موکَلند به کوه‌ها، خداوند مالک را

دربان جهنم قرار داده است.

فرشتگانی هستند که مأمور بر جنین و بچه‌هایی هستند که در شکم مادرانشان به سر می‌برند، فرشتگانی هستند که مأمور به نگهداری از بنی آدم و دفاع از ایشان هستند.

نیز فرشتگان دیگری به نوشتن اعمال و کردار بنی آدم گماشته شده‌اند، و برای هر فردی دو فرشته قرار داده شده است؛ خداوند می‌فرماید: ﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ

إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ (ق ۱۷-۱۸).

«(به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته، طرف راست (برای اعمال نیک) و فرشته چپ (برای اعمال بد) ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند. انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت (و ضبط آن) است».

فرشتگان دیگری هستند که خداوند، آن‌ها را برای سؤال و پرسش از مردگان، در هنگام دفن آن‌ها قرار داده است. دو فرشته بر مرده وارد می‌شوند و او را مورد بازخواست قرار داده

و می‌گویند: معبود تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو چه کسی است؟ پس: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ (۲۷). (ابراهیم ۲۷).

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می‌دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می‌سازد، (و لطف خود را از آنها برمی‌گیرد)؛ خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد!».

فرشتگان دیگری هستند که مکلفند به بهشتیان؛ خداوند می‌فرماید: ﴿يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ﴾ (۲۳) سَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۲۴﴾. (الرعد ۲۳-۲۴).

«از هر دری بر آنان وارد می‌گردند. (و به آنان می‌گویند): سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام آن سرا(ی جاویدان)».

رسول اکرم ﷺ به ما خبر داده است که: «إِنَّ بَيْتَ الْمُعْمَرِ

في السماء يدخله، - وفي رواية -: يصلي فيه، كل يوم سبعون ألف

ملك ثم لا يعودون إليه آخر ما عليهم». [متفق عليه].

بيت المعمور<sup>(١)</sup> در آسمان است. هر روز هفتاد هزار فرشته در آن داخل می‌شوند، و در روایتی در آن نماز می‌خوانند، سپس به آن خانه باز نمی‌گردند.



(١) خانه یا مسجدی که گفته‌اند در آسمان هفتم برابر کعبه است؛ یعنی خانه‌ای که تمامی فرمان‌ها در آن است.

## فصل

### (ایمان به کتابهاییکه بر پیامبران نازل شده است)

۴۷ - ایمان می‌آوریم به این که خدای تعالی بر پیامبران خود کتاب‌هایی فرستاده تا حجت و دلیلی باشد برای جهانیان تا به آن عمل کنند و به وسیله آن کتاب‌ها، به جهانیان، حکمت آموزند، و آنان را پاکیزه نمایند.

۴۸ - ایمان می‌آوریم که خداوند بر هر پیامبری کتابی نازل فرموده ؛ چنان که می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾. (الحديد ۲۵).  
«ما رسولان خود را با دلایل و معجزات روشن و شریعت‌های آشکار فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی که دارای احکام و شرایع است) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

۴۹ - [شماری] از آن کتاب‌ها که بر ما ظاهر و آشکار می‌باشد، عبارتند از:

أ - تورات که بر موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل فرموده است و آن

بزرگترین کتابهای بنی اسرائیل است: ﴿فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكَمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً﴾ (المائدة ۴۴).

«در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می‌کردند؛ و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می‌نمودند».

و می‌فرماید: ﴿وَأَتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (۴۶) (المائدة ۴۶).

ب - «و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود؛ و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می‌کرد؛ و هدایت و موعظه‌ای برای پرهیزگاران بود».

﴿وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ﴾ (آل عمران ۵۰).

«و (آمده‌ام) تا پاره‌ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه،) بر شما حرام شده، (مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهیها،) حلال کنم».



ج - زبور که به پیامبر داوود عَلَيْهِ السَّلَامُ عطا شده بود.

د - صحف که به ابراهیم و موسی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ داده شده بود.

ه - قرآن کریم که بر خاتم پیامبران محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد:

﴿هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ (البقرة: ۱۸۵).

«قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت و

معیارهای سنجش حق و باطل است».

می فرماید: ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ﴾.

(المائدة: ۴۸).

«کتب پیشین را تصدیق می کند، و حافظ و نگاهبان

آنهاست».

پس، خداوند، قرآن را ناسخ و محو کننده تمامی

کتاب‌های آسمانی گذشته قرار داده و عهده‌دار حفظ آن از

عبث و تحریف و دست بردن در آن شده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُزَلِّلْنَا

الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾ (الحجر: ۹).

«ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم».

زیرا این قرآن تا روز قیامت باقی است و آن هم حجت و



برهان بر تمامی جهانیان است.

اما کتاب‌های پیشین، هر کدام برای دوره و زمانی معین و معلوم بوده است که با نزول کتاب دیگری، صلاحیتش پایان یافته و کتاب بعدی، آن چه از تحریف و تبدیل و نقص و زیادت در آن بوده بیان کرده است، به همین سبب کتاب‌های سابق، مَصون از خطا و اشتباه نبوده و تحریف و تبدیل و نقص و زیادت در آن‌ها وجود داشته است. خداوند می‌فرماید:

﴿مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ﴾ (النساء: ۴۶).

«بعضی از یهود، سخنان (خدا) را از جای خود، تحریف

می‌کنند».

﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾ (البقرة: ۷۹).

«پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند،

سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست.»؛ تا آن را به بهای

کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند؛

و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند!».

﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ لِيَجْعَلُوهُ قِرَاطِينَ يُدُونَهَا وَيُخْفُونَ كَثِيرًا﴾ (الأنعام: ۹۱).

«بگو: چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود؛ (اما شما) آن را بصورت پراکنده قرار می‌دهید؛ قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می‌دارید».

﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤْنَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (آل عمران: ۷۸-۷۹).

«در میان آنها (یهود) کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید (آنچه را می‌خوانند)، از کتاب (خدا) است؛ در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می‌گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ

می‌بندند در حالی که می‌دانند! برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرستش کنید!».

﴿يَتَأْهَلُ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ﴿﴾ (المائدة ۱۵-۱۷).

«ای اهل کتاب! پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌سازد، به سوی شما آمد؛ و از بسیاری از آن، (که فعلا افشای آن مصلحت نیست)، صرف نظر می‌نماید. (آری)، از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکیها به سوی روشنایی

می‌برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید. آنها که گفتند: «خدا، همان مسیح بن مریم است»، بطور مسلم کافر شدند.»



## فصل

### (ایمان به پیامبران و حکمت فرستادن آنها)

۵۰ - ایمان می‌آوریم به این که خداوند متعال، پیامبران و رسولانی بر خلق و جهانیان فرستاد: ﴿مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (النساء ۱۶۵).  
 «آنان پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود؛) و خداوند، توانا و حکیم است».

۵۱ - ایمان می‌آوریم به اینکه نخستین این پیامبران نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ و آخرین آنها محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد. خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ﴾ (النساء ۱۶۳).  
 «ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم».

و می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ (الأحزاب ۴۰).

«محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛



ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است».

بهترین و برترین آن‌ها محمد، سپس ابراهیم، سپس موسی، سپس نوح و عیسی فرزند مریم علیها السلام می‌باشد؛ چنانکه خداوند آنان را بطور خاص در این آیه مبارکه ذکر نموده است: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ (الأحزاب ۷).

«(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای مسؤولیت تبلیغ و رسالت کوتاهی نکنند)».

۵۲ - ما معتقدیم که دین و شریعت محمد صلی الله علیه و آله شامل تمامی فضیلت‌های شریعت پیامبرانی که سرشار از فضل بودند چنان که می‌فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾ (الشوری ۱۳).

«آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده

بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید!».

۵۳ - ایمان می آوریم به این که همه پیامبران، بشر و مخلوق هستند در وجود هیچ یک از ایشان صفات خداوند وجود ندارد. خداوند از زبان پیامبر نوح عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: ﴿وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ﴾. (هود ۳۱).

«من هرگز به شما نمی گویم خزائن الهی نزد من است! و غیب هم نمی دانم! و نمی گویم من فرشته‌ام».

خداوند به خاتم الانبیاء - محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فرمان داد تا بگوید: ﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ﴾. (الأنعام ۵۰).

«بگو: «من نمی گویم خزاین خدا نزد من است؛ و من، (جز آنچه خدا به من بیاموزد)، از غیب آگاه نیستم! و به شما نمی گویم من فرشته‌ام».

و این که بگوید: ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾.



(الأعراف ۱۸۸).

«من مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد».

و بگوید: ﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾ (۲۱) ﴿قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا﴾ (۲۲). (الجن ۲۱-۲۲).

«بگو: من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم. بگو: (اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر او حمایت نمی‌کند، و پناهگاهی جز او نمی‌یابم».

۵۴ - ایمان می‌آوریم که تمام پیامبران، بنده‌ای از بندگان خدا هستند و خداوند متعال، آنان را به پیامبری، بزرگ داشته است و آنان را به بندگی در بلندترین مقام و بر شیوه مدح، وصف فرموده است؛ چنانکه در باره اولین آن‌ها - نوح عَلَيْهِ السَّلَام - می‌فرماید: ﴿ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾ (۳). (الإسراء ۳).

«ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بنده شکرگزاری بود».

درباره آخرینِ آنها محمد ﷺ می فرماید: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (۱) ﴿الفرقان ۱﴾.  
 «زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد».

[خدا] درباره پیامبران دیگر می فرماید: ﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ﴾ (۴۵) ﴿ص ۴۵﴾.  
 «و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دستهای (نیرومند در طاعت خدا) و چشمهای (بینا)».  
 ﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (۱۷) ﴿ص ۱۷﴾.  
 «و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه کننده بود!».

﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (۳۰) ﴿ص ۳۰﴾.  
 «ما سلیمان را به داوود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می کرد (و به یاد او بود)».

درباره عیسی، فرزند مریم، می فرماید: ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (۵۱) ﴿الزخرف ۵۹﴾.

«مسیح فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم».

۵۵ - ایمان می‌آوریم که خداوند متعال، رسالت‌ها را با پیامبری محمد ﷺ پایان داد و او را بر همه جهانیان فرستاد؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿قُلْ يَتَّيِّبُهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (الأعراف ۱۵۸).

«بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست؛ معبودی بحق جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده‌اش، آن پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید».

۵۶ - ایمان می‌آوریم به این که شریعت و آیین محمد ﷺ همان دین اسلام است که خداوند، آن را برای بندگان خود

قبول فرمود و غیر از اسلام، هیچ دینی را از هیچ کس نمی پذیرد؛ چنان که می فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾. (آل عمران ۱۹).

«دین (پسندیده) در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است».

و می فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾. (المائدة ۳).

«امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

و می فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾. (آل عمران ۸۵).

«و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است».

۵۷ - معتقدیم که اگر کسی ادعا کند، امروز دینی غیر از

دین اسلام مانند دین یهود و یا نصاری و غیر اینها در نزد خدا مقبول است، او کافر است و باید از او خواست تا توبه کند، وگرنه مرتد است، و کشتن او لازم است؛ زیرا قرآن را انکار کرده است.

۵۸ - ما بر این باوریم که هرکس به رسالت محمد ﷺ - که برای جهانیان است - کافر شود، در حقیقت، به تمام پیامبران کافر شده است؛ حتی پیامبری که ادعا می‌کند به او ایمان دارد و پیرو اوست؛ چنان که باری تعالی می‌فرماید:

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾﴾ (الشعراء ۱۰۵).

«قوم نوح، رسولان را تکذیب کردند».

و آنان را تکذیب کننده همه پیامبران دانسته است؛ در حالی که قبل از نوح ﷺ، پیامبری فرستاده نشده بود و فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

﴿١٥١﴾﴾ (النساء ۱۵۰-۱۵۱).

«کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می‌گویند: «به بعضی ایمان می‌آوریم، و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند. آنها کافران حقیقی‌اند؛ و برای کافران، مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم».

۵۹ - ایمان می‌آوریم که هیچ پیامبر و رسولی پس از محمد ﷺ نیست [و نخواهد آمد] و هرکس، پس از او ﷺ ادعای نبوت کند یا کسی که ادعاکننده نبوت را [باور کرده] و به راستی و درستی او گواهی بدهد، کافر است؛ زیرا تکذیب کننده و دروغ‌پندارنده خداوند و رسول خدا ﷺ و اجماع مسلمانان شده است.

۶۰ - ایمان می‌آوریم که پس از پیامبر ﷺ خلفای راشدین‌اند که در میان امت او با علم و معرفت و دعوت و ولایت، بر مؤمنان خلافت کردند و بهترین و شایسته‌ترین آنها به خلافت [به ترتیب]: ابوبکر صدیق، سپس عمر بن خطاب،

سپس عثمان بن عفان، سپس علی بن ابی طالب رضی الله عنه می‌باشند. و همچنان که در خلافت به ترتیب، قدر و منزلت داشتند، در فضیلت نیز چنان بودند و خداوند متعال - که برای اوست حکمت رسا و بالغ - ممکن نبود که بر این سده‌های برگزیده، شخصی را به خلافت منصوب کند؛ که از او شخص شایسته‌تری غیر از او وجود داشته باشد.

۶۱ - ایمان می‌آوریم به این که صاحب فضیلت کمتر از جمله اینان ممکن است دارای خصوصیت ویژه و یا برتری در بعضی خصوصیت‌ها باشد نسبت به آنکه از او برتر و افضل است، ولی ممکن نیست صاحب فضیلت و برتری مطلق بر آنان گردد؛ زیرا علل و انگیزه‌های فضیلت و برتری، بسیار زیاد است.

۶۲ - ایمان می‌آوریم که امت محمدی، بهترین امت‌ها و فاضل‌ترین آن‌هاست؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾. (آل عمران ۱۱۰).

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

۶۳ - ایمان می‌آوریم که بهترین این امت، یاران و صحابه (صحابی مسلمانی است که به خدمت پیغمبر اسلام رسیده و محضر آن حضرت را درک کرده و مسلمان از دنیا رفته باشد<sup>(۱)</sup> پیامبر ﷺ، سپس تابعین<sup>(۲)</sup>، سپس تابع تابعین<sup>(۳)</sup> می‌باشند.

۶۴ - ایمان می‌آوریم که در این امت گروهی هستند که تا روز قیامت بر حق بوده و مخالفت و دشمنی دشمنان و مخالفان هیچ ضرری به آنها نمی‌رساند که فرمان و امر الهی جاری شود.

۶۵ - ما معتقدیم که آن چه بین صحابه و یاران پیامبر از

(۱) وگرنه صحابه گفته نمی‌شود.

(۲) در اسلام، مسلمانی را می‌گویند که صحابی را دیده و از او پیروی کرده باشد.

(۳) جانشینان تابعین.



جنگ و اختلاف و فتنه رخ داد، از اجتهاد<sup>(۱)</sup> آنان بود. کسی که از آن‌ها بر حق بودند، برای او دو اجر است و کسی که بر حق نبود، برای او یک پاداش، و آن هم پاداش اجتهاد است و خطای او بخشوده می‌شود.

۶۶ - ما معتقدیم که نباید از بدی آنان سخن بگوییم، بلکه آنان را به آن چه که از مدح و ثناء، سزاوار و شایسته‌اند، بستاییم و دل‌های خود را از حقد و حسد و کینهٔ آنان پاک کنیم؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلٍ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَتْلِهِمْ وَكَذَلِكَ وَعَدَّ اللَّهُ الْخَسِرِينَ﴾ (الحديد: ۱۰).

«کسانی که قبل از پیروزی فتح مکه انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلندمقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح مکه انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده نیک داده است».

(۱) استنباط مسایل شرعی از قرآن یا حدیث نبوی.

می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا  
وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا  
إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾﴾ (الحشر: ١٠).

«(همچنین) کسانی که بعد از آنها (مهاجران و انصار)  
آمدند می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر  
ما پیشی گرفتند بیامرزد، و در دل‌هایمان حس و کینه‌ای نسبت به  
مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی».



## فصل

### (ایمان به روز قیامت)

۶۷ - ایمان می‌آوریم به روز قیامت. و آن روزی است که بعد از آن، روز دیگری نیست، وقتی مردم زنده شده، از قبرهای خود برمی‌خیزند تا این که زندگی ابدی را شروع کنند و راه ایشان یا به بهشت، و یا به دوزخ خواهد بود.

۶۸ - ایمان می‌آوریم به برانگیخته شدن. و آن هم زنده کردن خداوند مردگان را؛ در حالی که اسرافیل در شیپور می‌دمد: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ فِي يَوْمٍ يَنْظُرُونَ﴾ (الزمر ۶۸).

«و در «صور» دمیده می‌شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینند می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان همگی به پا می‌خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند.»

در این وقت، مردم از قبرهایشان برمی‌خیزند؛ در حالی که پا برهنه‌اند و لخت هستند و ختنه نشده‌اند: ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ

خَلَقِي نُعَيْدُهُ، وَعَدَّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾ (الأنبياء ١٠٤).

«همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می گردانیم؛ این وعده ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد».

٦٩ - ایمان می آوریم به نامه اعمال و کردار که به دست

راست و یا از پشت به دست چپ داده می شود: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ

كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾ وَنَقَلَبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصَلِّي سَعِيرًا ﴿١٢﴾ ﴿

(الانشقاق ٧-١٢).

«پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود. به

زودی حساب آسانی برای او می شود. و خوشحال به اهل و

خانواده اش باز می گردد. و اما کسی که نامه اعمالش به پشت

سرش داده شود. به زودی فریاد می زند: ای وای بر من که

هلاک شدم. و در شعله های سوزان آتش می سوزد».

﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ. وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ

مَنْشُورًا ﴿١٣﴾ أَقْرَأَ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ ﴿ (الإسراء ١٣-١٤).

«و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می‌بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) (و به او می‌گوییم:) کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی!».

۷۰ - ایمان می‌آوریم به ترازویی که در روز قیامت برای حساب و جزا و کیفر و پاداش گذاشته می‌شود و به هیچ‌کس ظلم نمی‌شود: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (۸) ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ (۷) (الزلزلة ۷-۸).

«پس هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند. و هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند.»

﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (۱۰۲) ﴿وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ﴾ (۱۰۳) ﴿تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ﴾ (۱۰۴) (المؤمنون ۱۰۲-۱۰۴).

«و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند! و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی

هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند! شعله‌های سوزان آتش همچون شمشیر به صورتهایشان نواخته می‌شود؛ و در دوزخ چهره‌ای عبوس دارند».

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (۱۶۰) ﴿الأنعام﴾.

«هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد».

۷۱ - ایمان می‌آوریم به شفاعت عظمی و بزرگی که مختص پیامبر، و آن هم از خداوند شفاعت می‌طلبد تا این که بین مردم، به مصیبتی که بر آنان وارد شده است، از هم و غم و سختی و شدت روز محشر قضاوت نماید؛ پس مردم نزد آدم، سپس نزد نوح، سپس نزد ابراهیم، سپس نزد موسی، سپس نزد عیسی عَلَيْهِ السَّلَام رفته تا این که سر انجام به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌رسند].

۷۲ - ایمان می‌آوریم به شفاعتی که مردم را از جهنم بیرون می‌آورد و آن شفاعت، برای رسول الله ﷺ و پیامبران دیگر و مؤمنان و فرشته‌ها می‌باشد.

و اینکه خداوند متعال، گروهی از مؤمنان را از جهنم بیرون می‌آورد بدون شفاعت کسی، بلکه به فضل و رحمت خداوندی.

۷۳ - ایمان می‌آوریم به حوض رسول الله ﷺ و این که آب آن سفیدتر از شیر، و شیرین‌تر از عسل است، و بوی آن بهتر از بوی خوش مشک می‌باشد. طول آن به مسافت رفتن یک ماه، و عرض آن نیز همان قدر است. ظرف‌های آن مانند ستارگان آسمان، زیاد و زیبا هستند و مؤمنان امت محمدی، بر آن وارد می‌شوند و هرکس که از آن حوض بنوشد، بعد از آن هرگز تشنه نخواهد شد.

۷۴ - ایمان می‌آوریم به صراط. و آن پلی است که بر جهنم نصب شده و مردم به قدر و اندازه اعمال و کردار خود از روی آن می‌گذرند، اولین آن‌ها مانند برق عبور می‌کند، سپس

بعد از آن همانند باد، سپس مانند پرنده‌ای و شد الرحال<sup>(۱)</sup> رسول الله ﷺ بر پل ایستاده و می‌فرماید: بارخدا یا! نجات ده، نجات ده، تا اینکه اعمال (بندگان) کم و ناتوان می‌گردد، و کسانی بیایند که از پل بطور خزیدن عبور کنند، و در دو طرف پل، قلاب‌هایی آویزان است و مأمورند کسی را که به آنان امر شود، بگیرند و به آنان خدشه وارد شده و مجروح می‌شوند و سپس نجات می‌یابند و دیگران به آتش جهنم می‌افتند.

۷۵ - ایمان می‌آوریم به تمامی آن چه در قرآن و سنت پیامبر ﷺ از اخبار و سختی و هراس آن روز آمده است، خدا ما را از آن نجات دهد.

۷۶ - ایمان می‌آوریم به شفاعت پیامبر ﷺ نسبت به اهل بهشت تا این که به آن داخل شوند و آنها [شفاعتی که] مخصوص پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد.

۷۷ - ایمان می‌آوریم به بهشت و دوزخ و این که بهشت

(۱) مانند حیوانیکه بر آن بار حمل کنند. در روایت دیگری آمده (کأجاوید الخیل) یعنی مانند اسبان خوب، تندرو و زرنگ - مترجم.



دار النعیم است که خداوند آن را برای مؤمنان پرهیزگار، مُمهیا کرده و در آن نعمت‌هایی است که هرگز چشم مانند آن ندیده، گوش مانند آن نشنیده، و دل بشر، مانند آن تصور نکرده است: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (السجدة ۱۷).

«هیچ کس نمی‌داند چه پاداشهای مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند».

و جهنم، دار العذاب است که خداوند آن را برای کافران ستمگر، مُمهیا ساخته و در آن عذابی هولناک و شدید است که هرگز در تصور هیچ بشری، خطور نکرده است: ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ (الکهف ۲۹).

«ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سراپرده‌اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان می‌آورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان

می‌کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است».

و آن دو؛ یعنی بهشت و دوزخ، اکنون وجود دارد و هیچ‌گاه فانی نشده و از بین نخواهد رفت. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ۝۱۱﴾ (الطلاق ۱۱).

«و هرکس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد (و این راه را تداوم بخشد خداوند) او را در باغهایی از بهشت وارد می‌سازد که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است».

﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ۝۶۴ خٰلِدِينَ فِيهَا اَبَدًا لَا يَجِدُوْنَ وِلْيًا وَلَا نَصِيرًا ۝۶۵ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَلْتَنَتَا اَطْعَمَا اللّٰهَ وَاَطْعَمَا الرَّسُوْلًا ۝۶۶﴾ (الأحزاب ۶۴-۶۶).

«خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده‌ای آماده نموده است، در حالی که همواره در آن تا ابد می‌مانند، و ولی و یابوری

نخواهند یافت! در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از کار خویش پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم».

۷۸ - ما شهادت می‌دهیم به بهشت رفتن کسانی را که قرآن و سنت پیامبر ﷺ آن را بیان کرده، چه کسانی که پیامبر با نام، آن‌ها را معلوم کرده، و چه کسانی که به وسیله صفت و نشانه‌ای، معین و مشخص شده‌اند؛ مانند: ابوبکر، عمر، عثمان و علی رضی الله عنه که رسول اکرم ﷺ آن‌ها را نام برده است. چه آنانی که به سبب صفت و اعمالشان به بهشت وارد می‌شوند؛ مانند: هر مؤمن یا هر شخص پرهیزگار و متقی.

۷۹ - ما شهادت می‌دهیم به دوزخ رفتن کسانی را که قرآن و سنت رسول ﷺ آن‌ها را بیان کرده است؛ چه با نام، و چه با وصف آنها. از کسانی که نام برده شده‌اند ابولهب و عمرو بن لحي الخزاعی و مانند این‌هاست، و از کسانی که وصفشان آمده است: هر کافر و مشرکی که شرک اکبر دارد و همه منافقان.

۸۰ - ایمان می آوریم به سختی قبر و سؤال و پرسش از مرده در قبرش؛ از معبود، دین و پیامبر او، پس: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾. (ابراهیم ۲۷).

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر».

انسان مؤمن در این جا می گوید: معبود من خدا، دین من اسلام، و پیامبر من محمد ﷺ است.

اما انسان کافر و منافق می گوید: نمی دانم؛ شنیدم مردم چیزی می گویند، من هم همان را گفتم.

۸۱ - ایمان می آوریم به نعمت و آسایش قبر برای مؤمنان؛ چنان که خداوند می فرماید: ﴿الَّذِينَ نُوَفِّئُهُمُ الْمَلَائِكَةَ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾. (النحل ۳۲).

«همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می گیرند در حالی که پاک و پاکیزه اند؛ به آنها می گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید!».

۸۲ - ایمان می‌آوریم به عذاب قبر برای ظالمان کافر؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿۹۳﴾ (الأنعام ۹۳).

«و اگر ببینی هنگامی که (این) ظالمان در شداید مرگ فرو رفته‌اند، و فرشتگان دستها را گشوده، به آنان می‌گویند: «جان خود را خارج سازید! امروز در برابر دروغهایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات خوارکننده‌ای خواهید دید!» (به حال آنها تاسف خواهی خورد).

احادیث در این باره زیاد وارد شده است و برای مؤمن روشن و آشکار است؛ پس بر هر انسان مؤمن، واجب است که به آن چه در قرآن و سنت رسول الله ﷺ از امور غیبی وارد شده است، ایمان بیاورد و به آن چه در دنیا مشاهده می‌کند با آن جدال و مقابله نکند، و آن را مورد تکذیب قرار ندهد؛ زیرا بین دنیا و آخرت فرق بسیار است. والله المستعان.



## فصل

### (ایمان به قضا و قدر)

۸۳ - ایمان می آوریم به قضا و قدر و خیر و شر آن، و آن هم تقدیر و سرنوشت خدا برای آفریدگان و خلائق. چنان که علم خدا بر آن سرنوشت، حکم کرده است.

قضا و قدر چهار مرتبه دارد:

مرتبه<sup>۱</sup> اول: مرتبه علم است. ایمان می آوریم که خداوند متعال (با علم ازلی و ابدی خود) بر همه چیز عالم و داناست، دانا بر آن چه بوده، و آن چه خواهد بود، و بر چگونگی آن علم جدیدی برای وی به میان نمی آید که مسبوق به جهالت باشد، و بعد از علم فراموشی برایش عارض می شود.

مرتبه<sup>۲</sup> دوم: مرتبه نوشتن (آن علم است). ایمان می آوریم که خداوند متعال آن چه مقدر و سرنوشت است تا روز قیامت در لوح محفوظ نوشته است: ﴿الَّذِي تَعَلَّمَ آدَمَ الْأَلْفَبَ وَكَتَبَ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْكِتَابَ وَمَا كُنَّا عَالَمِينَ﴾ (الحج ۷۰).

«آیا نمی دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است

می‌دانند؟! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی‌پایان پروردگار)؛ و این بر خداوند آسان است».

مرتبه سوم: مرتبه مشیت و خواست خداست: ایمان می‌آوریم به اینکه خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است خواسته و هیچ چیز جز به مشیت و اراده او نخواهد بود، هر چه را که خدا خواهد می‌شود، و آن چه نخواهد، نمی‌شود.

مرتبه چهارم: مرتبه خلقت و آفرینش است. ایمان

می‌آوریم به اینکه: ﴿اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ (الزمر ۶۲-۶۳).

«خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه

اشیا است. کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست».

این مراتب چهارگانه شامل آن چه از خود باری تعالی و آن

چه از بندگان خواهد بود، می‌باشد.

پس هر چه بنده از گفتار و کردار و غیر آن انجام می‌دهد

برای خداوند واضح، آشکار و معلوم است و خداوند آن را

خواسته و به وجود آورده است: ﴿لَمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ﴾ (۲۸) وَمَا

تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾ (التكوير ۲۸-۲۹).

«برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم پیش گیرد. و شما اراده نمی‌کنید مگر این که خداوند - پروردگار جهانیان - اراده کند و بخواهد».

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْتُمْ وَلَكِنْ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ (البقرة ۲۵۳).

«اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد».

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ (الأنعام ۱۳۷).

«و اگر خدا می‌خواست، چنین نمی‌کردند (زیرا می‌توانست جلو آنان را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد) بنابر این، آنها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار (و به آنها اعتنا مکن)».

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ (الصفات ۹۶).

«با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می‌سازید!».

اما با این حال، ایمان می‌آوریم که خداوند برای بنده خود اختیار و قدرت قرار داده تا با آن، عمل خود را انجام دهد و



نشانی بر این که بنده با خواست و اراده و اختیار خود عمل انجام می‌دهد:

[دلیل] اول: خداوند می‌فرماید: ﴿فَاتُوا حَرَّتَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ﴾ (البقرة ۲۲۳).

«پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید».

و می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً﴾ (التوبة ۴۶).

«اگر آنها (راست می‌گفتند، و) اراده داشتند که (بسوی میدان

جهاد) خارج شوند، وسیله‌ای برای آن فراهم می‌ساختند».

پس آمادگی و مهیا شدن برای جنگ را با اراده مطلق و

خواست خود، بر بنده خود، ثابت کرده است.

[دلیل] دوم: توجیه امر و نهی به بنده. اگر بنده اختیار و

قدرت نداشت، امر و نهی کردن به او از جمله تکالیفی بود که

توانایی انجام آن را نداشت، و این امری است که حکمت

خداوندی و رحمت او نمی‌پذیرد و از آن دوری می‌کند.

خداوند در خبر صادق و راستین قرآن می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ

اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (البقرة ۲۸۶).

«خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند».

[دلیل] سوم: ستایش نیکوکار به خاطر احسان و نیکی، و نکوهش بدکار بر عمل بد و ناشایست او. جزای هر کدام به آن چه سزاوارش هستند. اگر عمل و کردار بنده با اراده و اختیارش انجام نمی‌شد، مدح نیکوکار، بی‌نتیجه و کیفر بدکار، ظلم به شمار می‌آمد و خداوند از کار بی‌ارزش و بی‌نتیجه و ظلم، منزّه و پاک است.

[دلیل] چهارم: این که خداوند رسولانی را فرستاده است: ﴿مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ (النساء ۱۶۵). «آنان پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود؛) و خداوند، توانا و حکیم است».

اگر اعمال و کردار بنده با اراده و اختیار او انجام نمی‌گرفت حجت و برهان خدا در فرستادن رسولان و پیامبران، باطل می‌شد.

[دلیل] پنجم: هرکس احساس می‌کند که عملی را انجام می‌دهد، یا آن را ترک می‌کند، بدون آن که حس کند کسی او را به انجام آن کار وادار کرده است؛ مثلاً با اراده مطلق و خالص خودش برمی‌خیزد، و می‌نشیند، داخل می‌شود، و خارج می‌گردد، مسافرت می‌کند، و ساکن می‌شود، بدون آن که هیچ احساس زور و اجبار در او به وجود آید، البته که فرق زیادی است میان کسی که به انجام چیزی اجبار شود، تا کسی که با اختیار مطلق، کاری را انجام دهد. آیین اسلام نیز بین این دو؛ یعنی اجبار و اختیار، فرق گذاشته است، پس هرکس عملی را انجام دهد و در انجام آن عمل ناگزیر و مجبور باشد، شرع و آیین اسلام، او را در آن چه به خدای باری تعالی تعلق دارد، مورد بازخواست قرار نخواهد داد.

۸۴ - ما معتقدیم هیچ حجتی برای گناهکار در گناهش به خاطر قضا و قدر وجود ندارد، زیرا که گناهکار گناه را به اختیار خود انجام داده است، بدون آن که بداند که خداوند آنرا از قبل برای او سرنوشت کرده باشد، زیرا هیچ کس از

سرنوشت باخبر نیست مگر بعد از وقوع آن عمل: ﴿وَمَا تَدْرِي

نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا﴾ (لقمان ۳۴).

«و هیچ کس نمی داند فردا چه به دست می آورد».

پس چرا [گناهکار] دلیلی می آورد که قبلاً در هنگام انجام آن کار، از آن بی خبر است و عذر می آورد که این، قضا و قدر خداست؟ خداوند، استناد کردن آن‌ها به آن دلیل را با آیه زیر باطل می فرماید: ﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاءُنَا وَلَا حَرَمًا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ﴾ (الأنعام ۱۴۸).

«بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می گویند: «اگر خدا می خواست، نه ما مشرک می شدیم و نه پدران ما؛ و نه چیزی را تحریم می کردیم!» کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه دروغ می گفتند؛ و سرانجام (طعم) کیفر ما را چشیدند. بگو: «آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید؟ پس آن را به ما نشان دهید؟ شما فقط از پندارهای بی اساس پیروی می کنید، و

تخمینهای نابجا می‌زنید».

۸۵ - ما خطاب به گناهکاری که به قضا و قدر استناد می‌کند، می‌گوییم: چرا فرمان خدا را اجرا نکردی؟ ممکن بود خداوند این را برای تو سرنوشت کرده بود؛ زیرا وقتی انسان پیش از انجام کار، به سرنوشت جاهل باشد هیچ فرقی بین طاعت و معصیت برای او نیست، به همین سبب وقتی رسول الله ﷺ به صحابه فرمودند: «بَأَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ قَد كَتَبَ مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ قَالُوا: أَفَلَا تَتَكَلَّمُ وَ تَدَعِ الْعَمَلَ؟ قَالَ: لَا، اَعْمَلُوا فَكُلٌّ مَيَسَّرَ لِمَا خَلَقَ لَهُ». [البخاری].

«جایگاه هر کس، در بهشت و دوزخ نوشته شده است، صحابه گفتند: آیا توکل به خدا کرده، انجام عمل و کار را ترک کنیم؟ آن حضرت ﷺ فرمود: نه، عمل را انجام دهید؛ زیرا هر کسی آن چه بر او نوشته شده انجام می‌دهد».

۸۶ - باز خطاب به گناهکاری که قضا و قدر را دلیل گرفته می‌گوییم: اگر بخواهی به مکه مکرمه سفر کنی و مکه دو راه داشت و شخصی راستگو به تو بگوید که یکی از این دو راه،

خطرناک و دشوار است و راه دیگر آسان و ایمن است، پس حتماً راه دومی را انتخاب خواهی کرد و ممکن نیست راه اولی را برگزینی و می‌گویی این سرنوشت من است، و اگر راه اولی را انتخاب کنی، مردم تو را دیوانه می‌دانند.

۸۷ - همچنین به او می‌گوییم: اگر دو کار به تو محول کنند و معاش ماهانه یکی از آنها بیشتر باشد، حتماً تو آن کار را بر خواهی گزید که معاش زیادتری دارد؛ پس چه طور و چگونه برای روز رستاخیز خود، آن چه را بدتر و دارای ثواب کم‌تر است انتخاب می‌کنی و می‌گویی این قضا و قدر و سرنوشت من است؟!

۸۸ - به او می‌گوییم وقتی به مرضی مبتلا شدی، در هر مطب و دکتری را می‌زنی تا تو را درمان کند و به آن چه از درد و سختی جراحی و تلخی دارو بر تو وارد می‌شود صبر می‌کنی؛ پس چرا با قلب مریض خود، این کار را نمی‌کنی و بیماری گناه و معصیت آن را معالجه نمی‌کنی؟

۸۹ - ما ایمان می‌آوریم که شر و بدی به خداوند نسبت

داده نمی‌شود؛ زیرا رحمت و حکمت او کامل است.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «والشر ليس إليك». [مسلم].

شر و بدی نزد تو وجود ندارد.

پس هیچ‌گاه در قضا و قدرِ خداوند، ابداً شر نیست؛ زیرا [قضا و قدر] از حکمت و رحمت او صادر می‌شود، و شر در مخلوقات و مقتضیات او می‌باشد؛ چنان که رسول الله ﷺ به حسن بن علی رضی الله عنه در دعای قنوت چنین آموخت: «وقني شر ما قضيت» «مرا از شری که قضا کردی دور فرما» و شر و بدی به آن چه قضا فرموده اضافه کرد. با این حال، شرّ موجود در آن چه قضا شده است، شر و بدی محض و مطلق نیست، بلکه از یک جهت شر و بدی است که در محل آن است، و در جهت دیگر خیر است، یا در این جا شر، و در جای دیگر خیر است؛ مثل فساد در زمین، و خشکی و قحطی و مرض و فقر و گرسنگی و ترس، شر و بدی است، ولی در جای دیگر خیر است؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مِمَّا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (الروم ۴۱).

«فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند». همچنین قطع کردن دست دزد و سنگسار کردن زناکار برای آن‌ها شر است؛ زیرا دست دزد قطع می‌شود و جان زناکار از بین می‌رود، ولی از جهت دیگر برای آنها خیر است؛ چون کفاره گناهان آن‌ها خواهد بود، و کیفر دنیا و آخرت با هم جمع نخواهد شد، و از جهت دیگر نیز خیر است؛ زیرا در آن حمایت از اموال و ناموس و نژاد بشر است.





## فصل

### (ثمرات و فایده‌های عقیده صحیح)

۹۰ - این عقیده بلند و عالی، در برگیرنده اصولی عظیم و بزرگ است، و به کسی که به آن معتقد باشد، ثمره و فایده‌های بسیاری می‌رساند مانند:

ایمان به خدای تعالی، و نام و صفتهای او، که به بنده ثمره محبت و بزرگداشت او را می‌بخشد و موجب اطاعت و پیروی از فرمان‌های [خدا] و دوری از نواهی خواهد شد؛ زیرا اطاعت و پیروی از اوامر و اجتناب از نواهی، ببار آورنده سعادت در دنیا و آخرت برای فرد و جامعه می‌شود: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (النحل ۹۷).

«هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد».

۹۱ - [شماری] از ثمره‌ها و فایده‌های ایمان به فرشتگان



عبارتند از:

اول: علم و شناخت بزرگی و عظمت آفریننده آنها و قدرت و پادشاهی او سبحانه.

دوم: شکر و سپاس باری تعالی به خاطر عنایت بر بندگان و سرپرستی آنها؛ چنان که این فرشتگان را موکل کرده تا از آنها حفاظت و نگهداری کنند و اعمال و کردارشان را بنویسند و نیز فایده‌های دیگر.

سوم: محبت و دوستی فرشتگان بسبب عبادتی را که به طور کامل انجام داده‌اند و بسبب استغفارشان برای مؤمنان.

۹۲ - از ثمره‌ها و فایده‌های ایمان به کتاب‌های خدا:

اول: علم و معرفت به رحمت خداوند تبارک و تعالی و عنایت و توجه او به بندگان خود؛ چنان که برای هر قوم و نژادی، کتابی جهت هدایت و راهنمایی آنها فرستاده است.

دوم: آشکار شدن حکمت خداوندی هنگامی که راه را برای بندگان روشن و معین فرمود و کتاب‌ها را برای هر امتی - آنچه مناسب آنهاست - فرستاد و آخرین این کتاب‌ها قرآن مجید

است که مناسب تمام انسان‌ها در هر زمان و مکان تا روز قیامت می‌باشد.

سوم: سپاس و شکر، از خداوند متعال به خاطر نعمت‌هایش.

۹۳ - فواید ایمان به پیامبران:

اول: علم و شناخت رحمت خداوندی و عنایت الهی بر بندگانش؛ زیرا پیامبرانی برای هدایت و راهنمایی آنان فرستاده است.

دوم: شکر و سپاس از خداوند به خاطر این نعمتهای بزرگ.

سوم: محبت و دوست داشتن پیامبران و احترام و بزرگداشت و مدح و ثنای آنان به آنچه شایسته آن هستند؛ زیرا آن رسولان و پیامبران از بهترین بندگان خدا هستند، برای عبادت و تبلیغ پیام خدا و نصیحت بندگان. رسولانی که در برابر آزار و اذیت بندگان، صبر و شکیبایی کردند.

۹۴ - از فایده‌های ایمان به روز آخرت:

اول: حریص بودن بر طاعت و فرمان باری تعالی از روی

رغبت به خاطر پاداش روز قیامت و پرهیز از معصیت و گناه به

جهت ترس از کیفر آن روز.

دوم: دل خوشی و تسلی مؤمن در برابر حرمان از نعمت‌های دنیا و امیدوار بودن به نعمت و خوشی‌های که در آخرت نصیب وی خواهد شد.

۹۵ - از فواید ایمان به قضا و قدر (سرنوشت):

اول: اعتماد به خداوند در انجام هر کار؛ زیرا کار و سبب انجام آن، منوط به قضا و قدر خداوند متعال است.

دوم: راحت روح و جان و اطمینان قلب؛ وقتی انسان بداند که این قضا و قدر خداست و مکروه و شر و بدی حتماً وجود دارد، جان و روح او آسوده خواهد شد و قلب او به قضا و قدر، اطمینان پیدا خواهد کرد. بنابر این هیچ کس زندگی‌اش بهتر و روح و جانش پاک‌تر و اطمینانش قوی‌تر از فردی که ایمان به قضا و قدر دارد، نیست.

سوم: دور کردن غرور و خودپسندی از روح و جان هنگامی رسیدن به آرزو و هدف؛ زیرا آن نعمت از تقدیر و سرنوشت خداست که به دست آوردنش فقط با مهیا نمودن

اسباب خیر ممکن است و پیروزی از جانب خداوند بوده است. در این جا خدای را به خاطر نعمتش شکر و سپاس می‌گویند و از غرور، خودپسندی و خودبینی، دوری و اجتناب می‌ورزد. چهارم: دوری از بی‌تابی و پریشانی در باره نرسیدن به هدف و آرزویی، یا واقع شدن شر و بدی؛ زیرا آن [ناکامی] از قضا و قدر باری تعالی است (کسی که مالک آسمان‌ها و زمین است) و آن هم ناگزیر واقع خواهد شد، پس صبر و شکیبایی می‌کند بر آن سختی‌ها، اجر و پاداش را از خداوند می‌طلبد. خداوند می‌فرماید: ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۲۲﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۲۳﴾ (الحديد ۲۲-۲۳).

«هیچ مصیبتی در زمین (مانند: قحط باران، ضعف گیاهان، نقص میوه‌ها)، و نه در وجود شما (مانند: آفتها، بیماریها، رنجها، فقر) روی نمی‌دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه آن(زمین، مصیبت، مردم) را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت

است؛ و این امر برای خدا آسان است! این بخاطر آن است که برای آنچه (از دنیا) از دست داده‌اید تاسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید؛ و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد!.

در پایان، از خدای تعالی می‌خواهیم تا ما را بر این عقیده، ثابت و استوار گرداند، و ثمره آنرا به ما برساند، و از فضل خود بر ما زیاد فرماید، و قلب ما را بعد از هدایت منحرف نگرداند، و از رحمت خود به ما عطا فرماید.

والحمد لله رب العالمین، وصلى الله وسلم على نبينا

محمد وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان.

بقلم مؤلف: محمد بن صالح العثيمين

۳۰ / شوال / ۱۴۰۴ هـ. ق

برای ارتباط با مترجم می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (۱۱۷۵۷) ص. پ: (۱۵۰۱۰۳)

www.aqeedeh.com

es@al-islam.com